

## بررسی نقش شهرهای کوچک در توسعه مناطق روستایی پیرامون با تأکید بر کیفیت زندگی (مورد مطالعه: دهستان فیروزآباد شهرستان سلسله)

محمود جمعه‌پور \*

بهزاد رشودی \*\*

تاریخ دریافت: ۱۳۹۰/۱/۱۴؛ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۰/۳/۲۳

### چکیده

هدف پژوهش حاضر، بررسی نقش شهر فیروزآباد به‌عنوان یک کانون شهری کوچک در توسعه نواحی روستایی پیرامون آن است. در این پژوهش، در سنجش توسعه روستایی بر کیفیت زندگی تأکید شده است. پژوهش حاضر، با استفاده از روش پیمایش، به صورت مقطعی و با نمونه‌گیری طبقه‌بندی شده نسبی، با حجم نمونه ۳۳۰ نفر در ده روستا بین افراد سرپرست خانوار روستاهای دهستان فیروزآباد انجام شده است. در این پژوهش، از آزمون T و ویلکاکسون برای آزمون فرضیه‌ها و تحلیل رگرسیون در نرم‌افزار آماری SPSS استفاده شده است. یافته‌های تحقیق نشان می‌دهند که شهر فیروزآباد موجب بهبود خدمات‌رسانی، درآمد، مشارکت، مسکن و بهزیستی فردی در روستاهای پیرامون شده است. در حالی که نتوانسته است به بهبود وضعیت مهاجرت و کار در روستاهای پیرامونی منجر شود. طبق نتایج پژوهش حاضر، میزان رضایت مردم از زندگی، بعد از تبدیل فیروزآباد به شهر بیشتر شده است. طبق یافته‌های حاصل از تحلیل رگرسیون، شاخص‌های خدمات‌رسانی، مهاجرت، مشارکت و بهزیستی فردی، تأثیر مستقیم و معنادار و شاخص مسکن نیز تأثیر معکوس و معنی‌داری بر رضایت از زندگی دارد و شاخص‌های درآمد و اشتغال نیز فاقد تأثیر معناداری بر رضایت از زندگی ساکنین نواحی روستاهای مورد مطالعه هستند.

**کلیدواژه‌ها:** شهرهای کوچک، توسعه روستایی، کیفیت زندگی، روابط روستایی-شهری، شهر فیروزآباد.

\* دانشیار گروه برنامه‌ریزی اجتماعی دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه علامه طباطبایی تهران، mahjom43@gmail.com

\*\* کارشناس ارشد برنامه‌ریزی توسعه منطقه‌ای دانشگاه علامه طباطبایی تهران، b.rashnoodi61@gmail.com

این مقاله برگرفته از پایان‌نامه کارشناسی‌ارشد بهزاد رشودی است که با راهنمایی دکتر محمود جمعه‌پور و مشاوره دکتر علی خاکساری در سال ۱۳۸۹ دفاع شده است.

### مقدمه و بیان مسئله

برنامه‌ریزی توسعه منطقه‌ای<sup>۱</sup> ضمن اینکه بعد فضا را به ابعاد اجتماعی و اقتصادی توسعه اضافه می‌کند، از دو لحاظ به شکل‌گیری فرایند مناسب توسعه کمک می‌کند. اول اینکه، نگرش منطقه‌ای به توسعه، به تعادل فضایی و کاهش نابرابری‌های فضایی و مکانی کمک می‌کند و دوم اینکه، نگاه آمایشی به سرزمین و توجه به قابلیت‌های فضایی، به شکل‌گیری روند متناسب توسعه سرزمین منجر می‌شود. حاصل نگرش فوق، دستیابی به الگوی متناسب توسعه سرزمینی است که این تناسب و تعادل، به پویایی جریان توسعه و تداوم آن کمک خواهد کرد. این ویژگی‌های بارز برنامه‌ریزی منطقه‌ای باعث شده است که در حال حاضر نگرش مذکور، در برنامه‌ریزی‌های توسعه ضروری تلقی شود (جمعه‌پور، ۱۳۸۸: ۶). تعادل منطقه‌ای<sup>۲</sup> و توسعه متوازن<sup>۳</sup> شهر و روستا، منوط به شناخت روابط میان آنهاست. در این زمینه، ارائه راهکارها و استراتژی‌های جدید و مناسب به‌منظور استفاده معقول از امکانات و توان‌های بالقوه و بالفعل مناطق شهری و روستایی به‌منظور رفع مشکلات شهری و نیز تحول و توسعه نواحی روستایی ضروری است. در این راستا، توجه به روستا شهرها و شهرهای کوچک، به‌عنوان یک استراتژی جدید از طرف برنامه‌ریزان، در دستیابی به توسعه روستایی مؤثر است. شهرهای کوچک، رابطه سازمان‌یافته شهر و روستا را حفظ می‌کنند و عوامل و شرایط لازم برای توسعه را به سهولت به حوزه‌های نفوذ روستایی انتقال می‌دهند و موجب ایجاد پیوندهای فضایی میان فعالیت‌های کشاورزی و بازارهای مصرف، توسعه ظرفیت‌ها، ارائه خدمات و توانمندسازی روستاییان می‌شوند (داگلاس<sup>۴</sup>، ۱۹۹۸: ۱۱). در سال‌های اخیر، برنامه‌ریزی‌های توسعه بر اساس تأکید بر پویایی شهرهای کوچک مورد توجه قرار گرفته‌اند، زیرا به دلیل وجود امکانات شغلی، تعلیم و تربیت و سایر امکانات اساسی، شهرهای بزرگ مقصد نهایی بیشتر مهاجران از نواحی روستایی و شهرهای کوچک هستند. طرفداران نظریه نقش شهرهای کوچک در توسعه معتقدند: ۱- در صورت تأمین نیازهای مذکور در شهرهای کوچک، مسیرهای مهاجرتی تغییر یافته و به‌جای شهرهای بزرگ، مقصد نهایی مهاجران روستایی، شهرهای کوچک خواهند بود؛ ۲- جذب مهاجران در شهرهای کوچک، مانع افزایش شدید جمعیت در شهرهای بزرگ می‌شود و مسائل این قبیل شهرها را تعدیل می‌کند؛ ۳- از طرف دیگر، تأمین امکانات

1 Regional Development Planning

2 Regional Balance

3 Balanced Development

4 Douglass

بررسی نقش شهرهای کوچک در توسعه مناطق روستایی پیرامون ...

لازم در شهرهای کوچک، سیستم سکونتگاهی کشورهای در حال توسعه را متعادل و متوازن می‌کند و این سیستم در توسعه اجتماعی-اقتصادی ملی، نقش مهمی دارد (شکویی، ۱۳۸۰: ۴۱۴-۴۱۳). برنامه‌های توسعه‌ای در ایران در راستای توسعه روستایی نبوده و با توسعه روستایی به معنای واقعی آن تفاوت‌های بسیار زیادی دارد و به همین دلیل پیش‌بینی می‌شود این برنامه‌ها در کاهش توسعه نیافتگی روستایی کامیاب نباشند (طالب، بخشی زاده: ۲۴۶). شهرهای کوچک با این منطبق توجیه می‌شوند که ارتباطات شهری-روستایی لازم برای توسعه بخش‌های کشاورزی را در بسیاری از کشورهای در حال توسعه فراهم می‌کنند. این کار با دستیابی به داده‌های کشاورزی و سایر خدمات انجام می‌شود (گایل<sup>۱</sup>، ۱۹۹۲). این شهرها، در برقراری ارتباط بین مناطق روستایی با بازارهای داخلی و بین‌المللی نقش مهمی دارند و فرصت‌های شغلی غیرکشاورزی را برای جمعیت روستایی فراهم می‌کنند (تاکولی<sup>۲</sup>، ۱۹۹۸: ۱۵۳).

تجربیات جهانی بیانگر این واقعیت است که حل مسائل نواحی محروم روستایی، تحقق اهداف سیاست تعادل در توزیع فضایی جمعیت و توسعه مناطق، منوط به حمایت جدی از شهرهای کوچک است. این گروه از شهرها، نواحی مطلوبی به لحاظ تمرکززدایی اداری، اقتصادی، اجتماعی و رفاهی از سطح منطقه و شهرهای بزرگ آن محسوب می‌شوند و محرک توسعه روستایی، متعادل‌کننده نظام اسکان جمعیت و بالاخره فراهم‌کننده زمینه‌های تحقق توسعه پایدارند (تقوایی و رضایی، ۱۳۸۷: ۳۹). برخی پژوهش‌ها نیز مؤید کارکردهای بالقوه و بالفعل تبدیل مراکز روستایی به شهر برای توسعه هستند. نتایج پژوهش‌های مذکور نشان می‌دهند که شهرهای کوچک روستایی با ایجاد فرصت‌های شغلی غیرزراعی و ارائه خدمات مورد نیاز، در کاهش مهاجرت روستاییان به شهرهای بزرگ‌تر نقش مؤثری ایفا می‌کنند و زمینه توزیع متعادل جمعیت، امکانات و سرمایه را فراهم می‌آورند (افتخاری و ایردی‌خرامه، ۱۳۸۰). اکنون چنین رویکردی در قالب راهبرد کارکردهای شهری در توسعه روستایی (UFRD)<sup>۳</sup> بیان می‌شود که ایجاد شهرهای کوچک را در پیوند عملکردی با حوزه‌های روستایی، اصل قرار می‌دهد تا تنوع اقتصادی، صنعتی کردن، عرضه خدمات پشتیبانی، تجاری کردن کشاورزی و سرانجام سازماندهی و مدیریت توسعه تحقق یابد (صرافی، ۱۳۷۷: ۱۳۰). با توجه به مطالب فوق، به‌نظر می‌رسد شهرهای کوچک به‌عنوان حلقه ارتباطی بین شهرها و روستاها، شکاف بین نواحی

1 Gaite

2 Tacoli

3 Urban Function Rural development

توسعه روستایی، دوره سوم، شماره ۱، بهار و تابستان ۱۳۹۰

شهری و روستایی را پر می‌کنند و اگر با سیاست‌های درست و منطقی و در ارتباط با امکانات نواحی که در آن قرار دارند، درباره آنها برنامه‌ریزی شود، به میزان بیشتری در توسعه روستایی و منطقه‌ای نقش خواهند داشت.

تاکنون پژوهش‌هایی در کشور درباره نقش شهرهای کوچک در توسعه روستاهای پیرامون انجام شده است که از جمله می‌توان پژوهش‌های ایزدی‌خرامه (۱۳۸۰)، اکبریان رونیزی (۱۳۸۵)، قادرمزی (۱۳۸۳)، محمدی ده‌چشمه (۱۳۸۷)، رضایی (۱۳۸۷) و مرندی (۱۳۷۸) را نام برد، ولی درباره آثار شهرهای کوچک در بهبود کیفیت زندگی در روستاهای پیرامون، پژوهش‌های معینی انجام نشده است. فیروزآباد، یکی از بخش‌های شهرستان الشتر است که ضمن برخورداری از توان‌های محیطی زیاد، چندان توسعه نیافته است. این بخش، دو دهستان و یک ناحیه شهری را شامل می‌شود. از آنجایی که فیروزآباد از سال ۱۳۷۹، در این منطقه به‌عنوان شهر معین شده، کمابیش از امکاناتی برخوردار شده است و در نتیجه روستاهای پیرامون در طول این یک دهه، روابط بیشتر و نزدیک‌تری با شهر فیروزآباد برقرار کرده‌اند. بنابراین، توسعه منطقه شهری، تأثیر مستقیمی در توسعه روستاهای پیرامون آن گذاشته است. امروزه ساکنین روستاهای پیرامون، بسیاری از نیازهای خود را از شهر فیروزآباد تأمین می‌کنند، از این رو، گسترش امکانات و زیرساخت‌ها و برنامه‌ریزی برای توسعه شهر فیروزآباد، می‌تواند پیامدهای مثبتی از قبیل کاهش مهاجرت به شهرهای دیگر، خارج نشدن سرمایه مردم از این بخش و افزایش رونق اقتصادی منطقه را داشته باشد. از این رو، هدف اصلی پژوهش حاضر، بررسی نقش شهر فیروزآباد در توسعه نواحی روستایی پیرامون و شناخت کاستی‌ها و ارائه راهکارهایی بر اساس پتانسیل‌های موجود، به‌منظور ارتقای نقش شهر فیروزآباد در توسعه منطقه است.

### چارچوب نظری تحقیق

#### راهبرد توسعه شهرهای کوچک و نقش آن در توسعه روستایی

بررسی کارکردهای نواحی شهری کوچک در توسعه منطقه‌ای و محلی، شاید اولین بار با پژوهش جانسون<sup>۱</sup> (۱۹۷۰) و بحث "مرکز توسعه روستایی" توسط فانل (۱۹۷۶) آغاز شد که تقریباً جدیدترین موضوع در کار توسعه منطقه‌ای بود (فنی، ۱۳۸۸: ۳۱). جانسون در بحث درباره برنامه‌ریزی منطقه‌ای

1 Johnson

بررسی نقش شهرهای کوچک در توسعه مناطق روستایی پیرامون ...

بیان می‌کند که برای ادغام اقتصاد روستاها با اقتصاد شهرهای بزرگ‌تر، وجود شهرهای کوچک لازم است (زبردست، ۱۳۸۳: ۲۵).

گیل<sup>۱</sup> (۱۹۹۲)، راندینلی<sup>۲</sup> (۱۹۸۴) و تیلور<sup>۳</sup> (۱۹۸۱) معتقدند شهرهای کوچک اغلب به‌عنوان مراکزی برای تأمین خدمات شهری از مراکز شهری بزرگ و نیز بازارهایی محلی و مجموعه نواحی برای تولید بخش کشاورزی در نظر گرفته شده‌اند (باجارچاریا<sup>۴</sup>، ۱۹۹۴: ۶۵-۶۶).

مچور (۱۹۸۲) و تیلور (۱۹۸۱) معتقدند شهرهای کوچک به‌عنوان نواحی برای سرمایه‌گذاری‌های صنعتی و غیرکشاورزی در نظر گرفته می‌شوند تا تراکم و عوامل زیان‌آور (غیراقتصادی) در شهرهای بزرگ را کاهش دهند. اگر در شهرهای کوچک، به میزان کافی اشتغال ایجاد شود، آنها به‌طور بالقوه، نواحی برای تغییر جهت جریان‌های مهاجرتی به بیرون از شهرهای بزرگ نیز هستند (تایلر<sup>۵</sup>، ۱۹۸۱؛ متور<sup>۶</sup>، ۱۹۸۲).

از سال ۱۹۵۰ به بعد، نقش شهرهای کوچک در توسعه و به‌عنوان مرکزی برای نوآوری، مورد توجه جمعیت روستایی قرار گرفت. بعد از راندینلی و رودل، وبلسکی و کاراسکا در سال ۱۹۹۰، با انجام پژوهش‌هایی درباره آثار آنها و استراتژی‌های عقلایی فضایی در تحقق توسعه روستایی و توسعه‌یافتگی کامل، مفصل و متعادل در سلسله‌مراتب شهری (متشکل از مادرشهرها، شهرهای بزرگ، میانه و کوچک)، به بررسی نقش و عملکرد شهرهای کوچک علاقمند شدند. طرفداران این ایده معتقدند اگر آثار مکانی که به صورت خوشه‌ای از خدمات، امور مالی و زیرساخت‌ها هستند، در روستاها و دهکده‌های کوچک پدید آیند، برای آن جمعیت، اقتصادی نیست، بلکه باید در مکانی بزرگ‌تر به صورت مراکزی باشند تا خدمات متنوع، نهاده‌های کشاورزی و کالاهای مصرفی را بتوان به جمعیت بیشتری عرضه کرد. در ناحیه‌ای خاص، از همکاری‌هایی که شهرهای کوچک با روستاها دارند، می‌توان به‌عنوان یک سیاست اجرایی در توسعه روستایی بهره گرفت، زیرا شهرهای کوچک، محرکی در تحولات اقتصادی و اجتماعی روستاها هستند (اسمیت<sup>۷</sup>، ۲۰۰۵: ۵۲).

---

1 Gaile  
2 Rondinelli  
3 Taylor  
4 Bajarcharya  
5 Taylor  
6 Mathur  
7 Smith

## کیفیت زندگی<sup>۱</sup>

مفهوم کیفیت زندگی ابتدا به حوزه‌های بهداشتی، زیست‌محیطی و بیماری‌های روانی محدود می‌شد، اما طی دو دهه گذشته به مفهومی چندبعدی بسط یافته است. در گذشته، درآمد سرانه، تنها سنجه برای ارزیابی رفاه، بهزیستی و توسعه اقتصادی - اجتماعی محسوب می‌شد. فرض می‌شد که انسان، موجودی اقتصادی است که با منطبق اقتصادی زندگی می‌کند. منطق اقتصادی حکم می‌کند که انسان رقابت‌جو، لذت‌گرا و مادی‌گرا باشد. این باور با ایده کمیابی نیز مقارنت داشت. در این دیدگاه، فرض بنیادین این است که اقتصاد هیچ‌گونه حدودمرزی برای دخالت و فعالیت خود نمی‌شناسد. زیرا گفته می‌شود که همه جوامع به نحوی با مسئله اقتصاد مواجه هستند. مشکل اینجاست که «نگاه اقتصادی به انسان، مهارت به بی‌کفایتی، سنت به قید و بند، و زن و مرد به کالایی به نام نیروی کار تقلیل می‌یابند و در بسیاری موارد، خردمندی به مثابه نادانی، استقلال به وابستگی و عبادت به منزله تنبلی قلمداد می‌شوند. این همان منطق علمی است که بنیانش بر کمیابی به معنای کمبود، ندرت، محدودیت، نیاز، نارسایی، و حتی قناعت و صرفه‌جویی است... این فرض بیانگر لزوم تخصیص وسایل (منابع) است» (استوا، ۱۳۷۷: ۳۴ به نقل از عنبری، ۱۳۸۹: ۱۵۲).

اصطلاح کیفیت زندگی، معانی گوناگونی برای افراد و گروه‌های مختلف دارد. لیو در سال ۱۹۸۳، کیفیت زندگی را به‌عنوان «نامی برجسته برای مفهوم قدیمی بهزیستی مادی و روانی مردم در محیطی که در آن زندگی می‌کنند» توصیف کرده است. اسمیت آن را بهزیستی اجتماعی و آندروز نیز رفاه عمومی تعریف کرده است. به اعتقاد مولر (۱۹۸۳)، کیفیت زندگی، میزان رفاه افراد و گروه‌ها در شرایط اجتماعی و اقتصادی عمومی است. همچنین گروه کیفیت زندگی سازمان بهداشت جهانی، کیفیت زندگی را ادراک فردی از وضعیت زندگی در متن نظام‌های فرهنگی و ارزشی جامعه و در ارتباط با اهداف، انتظارات، استانداردها، علایق و نگرانی‌های فرد توصیف می‌کند (شی<sup>۲</sup> و همکاران، ۲۰۰۶: ۱۲؛ به نقل از رضوانی و دیگران، ۱۳۸۷).

به اعتقاد پسیون، اصطلاح کیفیت زندگی، به‌طور کلی بیانگر وضعیت محیطی است که مردم در آن زندگی می‌کنند، مانند آلودگی و کیفیت مسکن و نیز برخی ویژگی‌های خود مردم مانند سلامت و میزان تحصیلات (رضوانی و همکاران، ۱۳۸۷: ۳۸).

1 Life Quality  
2 Shy

بررسی نقش شهرهای کوچک در توسعه مناطق روستایی پیرامون ...

به اعتقاد ماسام<sup>۱</sup> (۲۰۰۲) کیفیت زندگی می‌تواند به‌عنوان یک معیار و نیز به‌عنوان دستاورد شریطی در نظر گرفته شود که انتظارات و خواست‌های افراد در آن تحقق می‌یابد. وی بر این اساس، سه بعد مورد نظر برنامه‌ریزان در مطالعه کیفیت زندگی را به صورت زیر دسته‌بندی می‌کند:

- خصوصی/ فردی یا عمومی/ جمعی
- ابزار/ علت/ ورودی یا هدف/ پیامد/ خروجی
- مکان (موقعیت) یا شخص

علاوه بر بررسی کیفیت زندگی به‌طور ذهنی، ممکن است این مفهوم به‌منظور مشاهده عینی آثار تغییرات و سیاستگذاری‌ها نیز در نظر گرفته شود. به اعتقاد مایلز، اصطلاح کیفیت زندگی معمولاً به‌عنوان برآوردهای ذهنی رضایتمندی و بهزیستی یا به‌عنوان مجموعه‌ای از ستانده‌های اقتصادی و اجتماعی توصیف می‌شود که افراد یا گروه‌ها به دست آورده‌اند (مایلز<sup>۲</sup>، ۱۹۸۵).

همه پژوهش‌های کیفیت زندگی، در دو حوزه شاخص‌های "عینی" و "ذهنی" انجام می‌شوند. کیفیت زندگی، به‌عنوان وسعت نیازهای انسانی برآورده شده در ارتباط با ادراکاتی در نظر گرفته می‌شود که فرد و گروه درباره بهزیستی ذهنی دارند. نیازهای انسانی، نیازهایی برای امرار معاش، تولیدمثل، بهزیستی، آزادی، مشارکت و ارتباطات هستند. بهزیستی ذهنی نیز وسیله‌ای برای واکنش‌های افراد و گروه‌ها به پرسش‌هایی درباره شادکامی و رضایت از زندگی است. ارتباط بین برآورده شدن نیازهای انسانی و رضایت ادراک شده از هر یک، می‌تواند از طریق ظرفیت روحی، زمینه فرهنگی، ارزش‌ها، اطلاعات، ارتباطات، تحصیلات و دوست داشتن تحت تأثیر قرار گیرد. علاوه بر این، ارتباط بین برآورده شدن نیازهای انسانی و بهزیستی ذهنی، با اهمیتی که افراد، گروه‌ها و فرهنگ‌ها به برآورده شدن هر یک از نیازهای انسانی نسبت به دیگر نیازها قائل می‌شوند، تحت تأثیر قرار می‌گیرد (قالیباف و همکاران، ۱۳۸۸: ۱۶۸-۱۶۷).

گذشته از مسئله تعریف و رویکردهای کیفیت زندگی، بحث‌های زیادی درباره حوزه‌های مورد استفاده در مطالعه کیفیت زندگی وجود دارد. کامینز<sup>۳</sup> در تعریفش از کیفیت زندگی - که هر دو بعد عینی و ذهنی را در نظر گرفته است - بیان می‌کند که هفت حوزه مهم، شامل بهزیستی مادی، سلامت،

1 Massam  
2 Miles  
3 Cummins

توسعه روستایی، دوره سوم، شماره ۱، بهار و تابستان ۱۳۹۰

بهره‌وری، تعلق، امنیت، اجتماع محلی و بهزیستی عاطفی می‌توانند برای محاسبه شاخص ترکیبی کیفیت زندگی استفاده شوند.

اسمیت<sup>۱</sup> در سال ۱۹۷۳، شش حوزه اصلی را شناسایی کرد که به‌طور گسترده‌ای در مطالعات کیفیت زندگی در کشورهای مختلف مورد استفاده قرار گرفته‌اند: (۱) درآمد، ثروت و کار؛ (۲) محیط؛ (۳) سلامت؛ (۴) آموزش؛ (۵) مشارکت؛ (۶) ناهنجاری‌های اجتماعی مانند جرم و جنایت.

کامپل<sup>۲</sup> و همکاران در سال ۱۹۷۶، در گزارش کیفیت زندگی مردم آمریکا، دوازده حوزه خاص را مورد توجه قرار دادند که عبارت‌اند از: ازدواج، زندگی خانوادگی، بهداشت، همسایگی، دوستی، شغل، مکان زندگی، مسکن، معیار زندگی، تحصیلات، پس‌انداز و آموزش رسمی.

هاگرتی<sup>۳</sup> و همکاران در سال ۲۰۰۱ بیان کردند که کیفیت زندگی، هفت حوزه یعنی روابط با خانواده، بهزیستی عاطفی، بهزیستی مادی، سلامت، کار و فعالیت مولد، احساس تعلق به اجتماع و امنیت فردی را شامل می‌شود (رضوانی و دیگران، ۱۳۸۹: ۴۱).

در پژوهش حاضر، برای سنجش متغیر وابسته که توسعه روستایی است، بر کیفیت زندگی در روستاهای پیرامون شهرهای کوچک تأکید می‌شود. در این پژوهش، کیفیت زندگی، میزان رضایت افراد از حوزه‌های مختلف زندگی در یک مکان خاص در نظر گرفته شده و به‌منظور سنجش کیفیت زندگی در نواحی روستایی مورد مطالعه، رویکردی ذهنی اتخاذ شده است. در رویکرد مذکور، تلاش شده است میزان رضایت ساکنان نواحی روستایی درباره حوزه‌های مختلف زندگی و به‌طور کلی زندگی، با توجه به توسعه شهر کوچک فیروزآباد اندازه‌گیری شود. با توجه به اینکه هنوز روش واحدی برای تعیین تعداد حوزه‌های زندگی وجود ندارد و انتخاب حوزه‌ها و معرف‌های مربوط به هر حوزه، بر اساس قضاوت‌های شخصی محقق، داده‌های در دسترس، ویژگی‌های ناحیه مورد مطالعه و اهداف پژوهش انجام می‌شود، در پژوهش حاضر، هفت حوزه شامل خدمات‌رسانی، مسکن، بهزیستی فردی، مشارکت، کار، درآمد، ثروت و تثبیت جمعیت در بررسی کیفیت زندگی در ناحیه مورد مطالعه انتخاب شده‌اند.

1 Smith  
2 Campbell  
3 Hagerty



بررسی نقش شهرهای کوچک در توسعه مناطق روستایی پیرامون ...

در مجموع، می‌توان گفت بسیاری از پژوهش‌ها، نقش شهرهای کوچک را در توسعه روستایی مثبت ارزیابی کرده‌اند. بنابراین، مدل مفهومی پژوهش حاضر، بر این فرض استوار شده است که ایجاد و توسعه شهرهای کوچک موجب توسعه روستایی، به‌ویژه بهبود عینی و ذهنی کیفیت زندگی در حوزه‌های هفت‌گانه آن می‌شود.

#### فرضیه‌های تحقیق

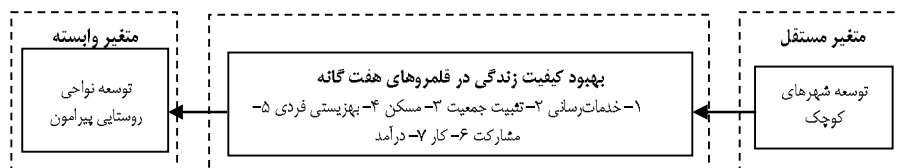
- ۱- به‌نظر می‌رسد کارکرد شهر کوچک فیروزآباد، موجب بهبود خدمات‌رسانی به روستاهای پیرامون و کاهش وابستگی روستاییان به مراکز بزرگ‌تر شهری (مرکز شهرستان) شده است.
- ۲- به‌نظر می‌رسد کارکردهای شهر کوچک فیروزآباد، موجب تثبیت جمعیت روستاهای حوزه و تعدیل جریان مستقیم مهاجرت‌های روستایی- شهری شده است.
- ۳- به‌نظر می‌رسد کارکرد شهر کوچک فیروزآباد، موجب بهبود وضعیت کار در نواحی روستایی پیرامون شده است.
- ۴- به‌نظر می‌رسد کارکرد شهر کوچک فیروزآباد، موجب بهبود وضعیت بهزیستی فردی، در نواحی روستایی پیرامون شده است.
- ۵- به‌نظر می‌رسد کارکرد شهر کوچک فیروزآباد، موجب بهبود وضعیت درآمد و ثروت، در نواحی روستایی پیرامون شده است.
- ۶- به‌نظر می‌رسد کارکرد شهر کوچک فیروزآباد، موجب بهبود وضعیت مشارکت، در نواحی روستایی پیرامون شده است.
- ۷- به‌نظر می‌رسد کارکرد شهر کوچک فیروزآباد، موجب بهبود وضعیت مسکن، در نواحی روستایی پیرامون شده است.
- ۸- به‌نظر می‌رسد ارتقای فیروزآباد به شهر، موجب بهبود رضایت از زندگی ساکنین نواحی روستایی پیرامون شده است.

توسعه روستایی، دوره سوم، شماره ۱، بهار و تابستان ۱۳۹۰

### مدل نظری (تحلیلی) پژوهش

متغیر مستقل: شهرهای کوچک متغیر وابسته: توسعه روستایی

شکل (۱): مدل مفهومی تحقیق



### معرفی منطقه مورد مطالعه

دهستان فیروزآباد با مرکزیت شهر فیروزآباد، یکی از شش دهستان شهرستان الشتر است که در غرب شهرستان با وسعت ۵۰۵ کیلومتر مربع قرار دارد. این دهستان که ۳۳/۸ درصد از مساحت شهرستان الشتر و ۱/۷ درصد از مساحت کل استان لرستان را به خود اختصاص داده، بر اساس آخرین تقسیمات کشوری سال ۱۳۸۵، ۳۷ آبادی دارای سکنه و ۱ آبادی خالی از سکنه داشته است. طبق سرشماری سال ۱۳۸۵، دهستان فیروزآباد ۱۱۵۵۳ نفر جمعیت داشته که از این تعداد، ۲۸۷۸ نفر در شهر فیروزآباد و ۸۶۷۵ نفر در نواحی روستایی سکونت داشته‌اند (سالنامه آماری استان لرستان، ۱۳۸۵).

### روش پژوهش

در مطالعه حاضر، به منظور بررسی نقش شهر کوچک فیروزآباد در توسعه روستایی، از شاخص‌های هفت‌گانه کیفیت زندگی استفاده شده است. این شاخص‌ها در هفت حوزه خدمات‌رسانی، درآمد، کار، مشارکت، بهزیستی فردی، مسکن و تثبیت جمعیت مورد بررسی قرار گرفته‌اند. حوزه‌های هفت‌گانه و شاخص‌های مربوط به هر کدام در جدول (۱) بیان شده است. روش تحقیق این پژوهش پیمایشی است که نوع پژوهش‌های توصیفی - تحلیلی می‌باشد. همچنین از نمونه‌گیری مطابق با طبقه‌بندی شده نسبی برای انتخاب افراد نمونه آماری استفاده شده است. ابتدا روستاهای موجود در دهستان فیروزآباد، بر اساس تعداد خانوارها مطابق با تقسیم‌بندی مرکز آمار ایران، در سه گروه روستاهای زیر ۲۰ خانوار، روستاهای ۲۱-۹۹ خانوار و روستاهای بیشتر از ۱۰۰ خانوار دسته‌بندی

بررسی نقش شهرهای کوچک در توسعه مناطق روستایی پیرامون ...

شدند. سپس با توجه به تعداد خانوارهای هر گروه، از گروه زیر ۲۰ خانوار، سه روستا، از گروه ۲۱ تا ۹۹ خانوار، پنج روستا و از گروه بالای ۱۰۰ خانوار، دو روستا به‌طور تصادفی انتخاب گردیدند. پس از مشخص شدن حجم نمونه (که بر اساس فرمول کوکران، ۳۳۰ خانوار شد)، از بین روستاهای انتخاب شده به تناسب تعداد خانوار، نمونه‌ها به‌طور تصادفی انتخاب شدند. ابزار گردآوری اطلاعات، پرسشنامه است که محقق با توجه به اهداف پژوهش آن را تهیه کرده است. این پرسشنامه، سؤالات بسته با پاسخ‌هایی در طیف لیکرت پنج مقیاسی (کاملاً موافقم: ۵ تا کاملاً مخالفم: ۱) را شامل می‌شود که در محدوده هفت حوزه عمده زندگی تعریف شده‌اند.

جدول (۱): شاخص‌های توسعه روستایی (کیفیت زندگی)

| حوزه        | شاخص‌ها  | ضریب پایایی کرونباخ |
|-------------|--|---------------------|
| خدمات‌رسانی | آموزشی (دسترسی به خدمات آموزشی نظیر مدارس و...)، بهداشتی (دسترسی به خدمات بهداشتی و درمانی از قبیل پزشک، داروخانه و...)، تفریح و اوقات فراغت (دسترسی به امکانات ورزشی، دسترسی به امکانات فرهنگی و هنری) و اطلاعات و ارتباطات (دسترسی به امکانات پستی و مخابراتی، دسترسی به رایانه، اینترنت و...) | ۰/۸۲                |
| کار         | فرصت‌های شغلی، رضایت شغلی، امنیت شغلی و تنوع شغلی و...   | ۰/۸۶                |
| مشارکت      | مشارکت در عمران، تقویت نهادهای محلی، ایجاد نهادهای محلی جدید، عضویت در نهادهای محلی موجود، شرکت در انتخابات و استفاده از نظرات مردم در امور روستایی و...   | ۰/۷۲                |
| مسکن        | کیفیت مسکن از نظر تجهیزات و امکانات (مانند حمام و توالت بهداشتی)، استفاده از مصالح ساختمانی بادوام و نظارت بر ساخت و ساز مسکن و...   | ۰/۸۸                |
| بهبودی فردی | احساس امنیت فردی، امید به آینده، توانایی تأمین نیازهای اساسی خانوار و رضایت از زندگی و...  | ۰/۸۲                |
| درآمد       | درآمد خانوار، پس‌انداز خانوار، دارایی‌های خانوار، هزینه‌های زندگی و...   | ۰/۷۵                |
| تثبیت جمعیت | نظیر میزان مهاجرت، احساس تعلق به اجتماع، تمایل به ماندن در روستا و...  | ۰/۷۹                |

منبع: یافته‌های تحقیق

به‌منظور سنجش اعتبار درونی، ابتدا روش اعتبار محتوا برای افزایش اعتبار پرسشنامه مورد استفاده قرار گرفت. در این روش، با استفاده از مقیاس‌های آزمون شده در پژوهش‌های توسعه روستایی (به مثابه کیفیت زندگی) و نظرخواهی از اساتید و کارشناسان، گام اول برداشته شد. سپس

توسعه روستایی، دوره سوم، شماره ۱، بهار و تابستان ۱۳۹۰

پرسشنامه، در دو مرحله مقدماتی و نهایی تکمیل شد و با بررسی نهایی، تدوین گردید. به منظور سنجش پایایی ابزار تحقیق، از آلفای کرونباخ استفاده گردید که مقادیر آن برای هر حوزه، به طور جداگانه در جدول (۱) نشان داده شده است. از آمار توصیفی برای خلاصه‌سازی نتایج پیمایش، آزمون T و ویلکاکسون برای آزمون فرضیه‌ها و تحلیل رگرسیون در محیط نرم‌افزاری آماری SPSS نیز استفاده شده است.

### یافته‌های تحلیلی

در پژوهش حاضر با استفاده از تکنیک آماری آزمون T تکنمونه‌ای و آزمون ویلکاکسون، داده‌ها تحلیل شده است. پرسش اصلی در پژوهش حاضر، بررسی نقش شهر فیروزآباد در توسعه (بهبود کیفیت زندگی) روستاهای پیرامون است که در هفت حوزه زندگی مورد آزمون قرار گرفته است. همان طور که جدول (۳) نشان می‌دهد، شهر فیروزآباد موجب بهبود خدمات‌رسانی، درآمد، مشارکت، مسکن و بهزیستی فردی در روستاهای پیرامون شده است، در حالی که نتوانسته است شرایط لازم برای بهبود وضعیت مهاجرت و کار در روستاهای پیرامونی را فراهم کند.

جدول (۳): محاسبه آماره‌های مربوط به تحلیل داده‌ها در حوزه‌های هفت‌گانه کیفیت زندگی

| حوزه کیفیت زندگی | تعداد مشاهدات | میانگین | خطای استاندارد میانگین | آماره z محاسبه شده | درجه آزادی | سطح معناداری |
|------------------|---------------|---------|------------------------|--------------------|------------|--------------|
| خدمات‌رسانی      | ۳۳۰           | ۹۸۷/۴۸۵ | ۱/۱۶۶۱                 | ۴/۹۳               | ۳۲۹        | ۰/۰۰۰        |
| تثبیت جمعیت      | ۳۳۰           | ۲۵/۹۷۲۷ | ۰/۳۷۵۲                 | -۲/۱۳۷             | ۳۲۹        | ۰/۰۰۷        |
| کار              | ۳۳۰           | ۲۳/۱۴۸۵ | ۰/۳۷۲۰۷                | -۲/۲۸۹             | ۳۲۹        | ۰/۰۲۳        |
| درآمد            | ۳۳۰           | ۲۹/۰۲۷۳ | ۰/۴۲۷۸                 | ۴/۸۳۸              | ۳۲۹        | ۰/۰۰۰        |
| بهزیستی فردی     | ۳۳۰           | ۲۲/۸۷۸۸ | ۰/۲۵۰۷۶                | ۱۹/۴۵۶             | ۳۲۹        | ۰/۰۰۰        |
| مشارکت           | ۳۳۰           | ۲۹/۲۰۶۰ | ۰/۳۴۷۸                 | ۱۴/۹۶۷             | ۳۲۹        | ۰/۰۰۰        |
| مسکن             | ۳۳۰           | ۲۲/۰۶۰۶ | ۰/۱۹۳۰۲                | ۳۶/۵۸              | ۳۲۹        | ۰/۰۰۰        |

منبع: یافته‌های تحقیق

با توجه به جدول (۴)، نتایج پژوهش حاضر نشان می‌دهند که بعد از تبدیل فیروزآباد به شهر، میزان رضایت مردم از زندگی افزایش یافته است.

بررسی نقش شهرهای کوچک در توسعه مناطق روستایی پیرامون ...

جدول (۴): محاسبه آماره مربوط به میزان رضایت از زندگی قبل و بعد از تبدیل فیروزآباد به شهر

|  |     |
|--|-----|
| میزان رضایت از زندگی در روستا پس از تبدیل فیروزآباد به شهر - میزان رضایت از زندگی در روستا قبل از تبدیل فیروزآباد به شهر |     |
| -۲/۰۳۷   | Z   |
| ۰/۰۴۲  | Sig |

منبع: یافته‌های تحقیق

جدول (۵): تحلیل رگرسیون برای تحلیل رابطه حوزه‌های مختلف کیفیت زندگی و میزان رضایت از زندگی

|                          |               |
|--------------------------|---------------|
| روش ورود متغیرها: همزمان | Method: Enter |
| ضریب همبستگی چندگانه     | R=۰/۷۱۰       |
| ضریب تعیین               | R=۰/۵۰۴       |
| ضریب تعیین تعدیل یافته   | R. adj=۰/۴۹۳  |
| خطای معیار               | S.E=۰/۸۲۱     |
| تحلیل واریانس            | ANOVA=۴۶/۷۴   |
| سطح معناداری             | Sig=۰/۰۰۰     |

منبع: یافته‌های تحقیق

داده‌های جدول فوق نشان می‌دهند که همبستگی متغیرهای مستقل با متغیر وابسته، ۷۱ درصد است که از نظر شدت، نسبتاً قوی است. علاوه بر این، متغیرهای مذکور می‌توانند ۵۰/۴ درصد از میزان رضایت از زندگی نواحی پیرامون روستایی را تبیین کنند. همچنین مقدار و سطح معنی‌داری ANOVA، معناداری کل مدل را مشخص می‌کند. به‌طور کلی، اگر سطح معناداری آماره F، کمتر از ۰/۰۵ باشد، آنگاه متغیرهای مستقل، به خوبی تغییرات متغیر وابسته را تبیین می‌کنند. در صورتی که این مقدار بزرگ‌تر از ۰/۰۵ باشد، آنگاه متغیرهای مستقل، تغییرات متغیر وابسته را تبیین نمی‌کنند. همان‌طور که جدول فوق نشان می‌دهد، مقدار F، 47/74 و سطح معناداری آن  $\text{sig} = ۰/۰۰۰$  است. همچنین به‌دلیل سطح معنی‌داری کمتر از ۰/۰۵، مدل معنادار است.

توسعه روستایی، دوره سوم، شماره ۱، بهار و تابستان ۱۳۹۰

جدول (۶): ضرایب آزمون تحلیل رگرسیون درباره تأثیر متغیرهای مستقل بر متغیر وابسته

| متغیرهای مستقل | B      | Beta   | S.E   | t     | Sig   |
|----------------|--------|--------|-------|-------|-------|
| خدمات‌رسانی    | ۰/۰۱۰  | ۰/۱۸۵  | ۰/۰۰۳ | ۳/۲۶  | ۰/۰۰۱ |
| کاهش مهاجرت    | ۰/۰۳۳  | ۰/۱۹۲  | ۰/۰۱۲ | ۲/۲۸  | ۰/۰۰۵ |
| کار            | ۰/۰۰۴  | ۰/۰۲۱  | ۰/۰۱۲ | ۰/۳۰۰ | ۰/۷۶۴ |
| مشارکت         | ۰/۰۳۰  | ۰/۱۶۵  | ۰/۰۱۲ | ۲/۵۳  | ۰/۰۱۲ |
| مسکن           | -۰/۰۴۱ | -۰/۱۲۳ | ۰/۰۱۵ | -۲/۶۴ | ۰/۰۰۹ |
| بهبودی فردی    | ۰/۰۶۶  | ۰/۲۵۹  | ۰/۰۱۵ | ۴/۳۲  | ۰/۰۰۰ |
| درآمد و ثروت   | ۰/۰۱۷  | ۰/۱۱۲  | ۰/۰۱۰ | ۱/۶۵  | ۰/۰۹۸ |

منبع: یافته‌های تحقیق

نتایج به دست آمده از تحلیل رگرسیون نشان می‌دهند که مقدار بتا برای شاخص خدمات‌رسانی ۰/۱۸۵، شاخص تثبیت جمعیت و کاهش مهاجرت ۱/۹۲، شاخص وضعیت اشتغال ۰/۳۰۰، شاخص وضعیت مشارکت ۰/۱۶۵، شاخص وضعیت مسکن -۰/۱۲۳، شاخص بهزیستی فردی ۰/۲۵۹ و شاخص درآمد ۰/۱۱۲ است. نتایج تحلیل رگرسیون، بیانگر تأثیر مستقیم و معنادار شاخص‌های خدمات‌رسانی، تثبیت جمعیت و کاهش مهاجرت، مشارکت، بهزیستی فردی، تأثیر معکوس شاخص مسکن و عدم تأثیر معنادار شاخص‌های اشتغال و درآمد بر میزان رضایت از زندگی در نواحی روستایی پیرامون شهر فیروزآباد است.

بنابراین، می‌توان با توجه به نتایج به دست آمده، معادله رضایت از زندگی را در ناحیه مورد مطالعه به صورت زیر نوشت:

$$\text{Satisfaction of life} = 0.185X_1 + 1.92X_2 + 0.165X_3 - 0.123X_4 + 0.259X_5$$

وضعیت بهزیستی فردی =  $X_5$ ، وضعیت مسکن =  $X_4$ ، وضعیت مشارکت =  $X_3$ ، جمعیت و کاهش مهاجرت تثبیت =  $X_2$ ، خدمات رسانی =  $X_1$

مدل رگرسیون نشان می‌دهد که شاخص بهزیستی فردی، قوی‌ترین و شاخص کار، ضعیف‌ترین

متغیری است که رضایت از زندگی در ناحیه مورد مطالعه را پیش‌بینی می‌کند.

بررسی نقش شهرهای کوچک در توسعه مناطق روستایی پیرامون ...

### بحث و نتیجه‌گیری

توسعه روستایی، فرایندی چندبعدی است که موضوع آن، بهبود و ارتقای کیفیت زندگی اجتماعات روستایی است. فرایندی که در آن با بهره‌گیری از سازوکارهایی مانند برنامه‌ریزی، سازماندهی، تقویت خوداتکایی فردی و جمعی و ایجاد دگرگونی مناسب در ساختارهای ذهنی و عینی روستاییان تلاش می‌شود که قدرت، توان و اختیار بهره‌گیری از قابلیت‌ها و منابع در اختیارشان تقویت شود تا از این طریق بتوانند وضعیت موجودشان را به وضعیت مناسب و مطلوب‌تر تغییر دهند. در پژوهش حاضر، تلاش شد نقش شهرهای کوچک در توسعه روستایی مورد بررسی قرار گیرد. در واقع، توجه به شهرهای کوچک و میانی، به دلیل ناکامی رویکردهای قبلی توسعه است، رویکردهایی که اجرای آنها موجب بروز مسائل حادی در بیشتر کشورهای در حال توسعه از حیث اقتصادی، اجتماعی و سیاسی و فضایی شد. ادامه تمرکز مردم و منابع در نخست‌شهر و نواحی کلان‌شهری، منابع را از حوزه‌های اصلی جذب نموده و آنها را تحلیل می‌برد، اختلاف درآمد منطقه‌ای را تداوم می‌بخشد، از رشد عمده در شهرهای کوچک‌تر و روستاها جلوگیری می‌کند و موجب برقراری و حفظ اقتصاد دوگانه می‌شود. رشد نخست‌شهرها و نواحی کلان‌شهری موجب بروز مشکلات اجتماعی و اقتصادی در داخل این شهرها شده است که از جمله آنها، می‌توان مشکل مسکن، حمل و نقل، اشتغال و عرضه خدمات و تخریب محیط زیست را ذکر کرد. مشکلاتی که اغلب کشورهای در حال توسعه برای مقابله با آن با کمبود منابع مواجه هستند. از طرف دیگر، تراکم شهری زیاد، هزینه‌های اجتماعی را در این کشورها افزایش داده است.

در بیشتر کشورهای در حال توسعه، توجه برنامه‌ریزان به تمرکززدایی فضایی - کالبدی سرزمین با هدف توازن بخشیدن به نظام سکونتگاهی، مهار رشد ناهنجار کلان شهرها، کاهش نابرابری‌های منطقه‌ای و دوگانگی شهری - روستایی، ایجاد فرصت‌های شغلی جدید، بهبود کیفیت زندگی در نواحی شهری و روستایی و کاهش مهاجرت روستاییان به شهرهای بزرگ، به اتخاذ راهبردهای متفاوتی در زمینه توزیع جمعیت و شهرنشینی منجر شده است. یکی از مهمترین راهبردها در این زمینه، توجه به تقویت شهرهای کوچک و حمایت از این نوع شهرها در شبکه شهری کشور است. امروزه اغلب محققان در یافته‌های خود، بر نقش مؤثر شهرهای کوچک در توسعه ملی، منطقه‌ای و محلی، بهبود سلسله‌مراتب سکونتگاهی، تقویت پیوندها و روابط شهری - روستایی، توسعه بخش کشاورزی، صنعت

## توسعه روستایی، دوره سوم، شماره ۱، بهار و تابستان ۱۳۹۰

و خدمات، توزیع متعادل و بهینه جمعیت، اشتغال‌زایی، کاهش مهاجرت‌های روستایی به شهرهای بزرگ، تأمین خدمات شهری در مناطق روستایی و تمرکززدایی تأکید می‌کنند. به‌طور کلی، یافته‌ها نشان می‌دهند که تقویت و تجهیز شهرهای کوچک به‌عنوان آخرین حلقه اتصال نظام شهری به نظام روستایی و ارتقای توان خدماتی این شهرها، به‌ویژه در زمینه خدمات تولیدی به‌منظور توسعه یکپارچه شهری و روستایی، مهار مهاجرت‌ها، افزایش ظرفیت حفظ جمعیت روستاها، کاهش شکاف موجود در بهره‌گیری از امکانات و خدمات اجتماعی، تجاری و تولیدی میان دو جامعه مذکور و ایجاد قطب‌های سرویس‌دهی به نواحی روستایی ضروری است.

از آنجایی که شهرهای کوچک در مسیر حرکت روستاییان به شهرهای بزرگ‌تر قرار دارند، می‌توانند نقش مهمی در توسعه نواحی روستایی داشته باشند و بسیاری از مسائل نواحی روستایی را رفع کنند. در پژوهش حاضر، نقش شهر فیروزآباد به‌عنوان یک کانون کوچک شهری در توسعه روستاهای پیرامون بررسی شده است.

نتایج توصیفی و تجربی پژوهش حاضر نشان می‌دهند که:

\* حدود ۸۹ درصد از پاسخگویان معتقدند که شهر فیروزآباد، موجب بهبود وضعیت خدمات‌رسانی به روستاهای پیرامون شده و حدود ۱۱ درصد از افراد نیز اعتقاد دارند که در این زمینه مؤثر نبوده است. از جمله عوامل مؤثر در نارضایتی ساکنین روستاهای پیرامون از خدمات‌رسانی شهر فیروزآباد را می‌توان کمبود امکانات آموزشی، خدمات بهداشتی (مانند اورژانس و زایشگاه)، کمبود امکانات رفاهی (مانند کتابخانه و امکانات ورزشی) و نیز گرانی بعضی از اجناس نسبت به مرکز شهرستان دانست.

\* حدود ۸۶ درصد از افراد نمونه معتقدند که شهر فیروزآباد، موجب بهبود وضعیت مسکن روستاهای پیرامون شده و فقط ۲ درصد از افراد معتقدند که در این زمینه مؤثر نبوده است. دلایل اصلی تأثیر بسیار مثبت شهر فیروزآباد در بهبود وضعیت مسکن در روستاهای مورد مطالعه را می‌توان در دسترس بودن مصالح ساختمانی بادوام و گسترش نهادهای نظارتی به‌منظور نظارت و کنترل بر ساخت‌وساز در شهر فیروزآباد دانست.

\* به‌طور کلی، حدود ۱۶ درصد از پاسخگویان معتقدند که شهر فیروزآباد، موجب تثبیت جمعیت و کاهش مهاجرت در روستاهای پیرامون شده است. در حالی که، حدود ۲۹ درصد از افراد



بررسی نقش شهرهای کوچک در توسعه مناطق روستایی پیرامون ...

معتقدند که فیروزآباد در این زمینه مؤثر نبوده است که دلایل آن را می‌توان ضعف بنیان‌های اقتصادی شهر فیروزآباد، عدم ایجاد فرصت‌های شغلی جدید و نیز فقدان سرمایه‌گذاری در بخش کشاورزی و دامداری در روستاهای پیرامون دانست.

\* همچنین حدود ۶۸ درصد از افراد نمونه معتقدند که شهر کوچک فیروزآباد، موجب بهبود وضعیت بهزیستی فردی در روستاهای پیرامون شده و حدود ۴ درصد از افراد نیز اعتقاد دارند که در این زمینه مؤثر نبوده است. دلایل اصلی نقش مثبت شهر فیروزآباد در بهبود وضعیت بهزیستی فردی در روستاهای مورد مطالعه را می‌توان افزایش آگاهی، ارتباطات و تعامل ساکنین، ایجاد نهادهای امنیتی در شهر و دسترسی آسان‌تر به مواد غذایی سالم و متنوع‌تر در فیروزآباد دانست.

\* حدود ۵۱ درصد از افراد نمونه معتقدند که شهر کوچک فیروزآباد، موجب بهبود وضعیت مشارکت در روستاهای پیرامون شده و حدود ۴ درصد از افراد نیز اعتقاد دارند که شهر مذکور در این زمینه مؤثر نبوده است. دلیل اصلی مثبت بودن نقش شهر فیروزآباد در بهبود وضعیت مشارکت در روستاهای مورد مطالعه را می‌توان نظارت و حمایت بخش‌داری فیروزآباد بر فعالیت دهیاری‌ها و شوراهای روستا دانست.

\* حدود ۵۴ درصد از پاسخگویان معتقدند شهر فیروزآباد تا حدودی باعث بهبود وضعیت اشتغال شده است. در حالی که، ۲۵ درصد از افراد معتقدند که در این زمینه مؤثر نبوده و ۲۱ درصد نیز معتقدند که این شهر، موجب بهبود وضعیت اشتغال به روستاهای پیرامون شده است. دلیل اصلی عدم بهبود وضعیت اشتغال در روستاهای مورد مطالعه را می‌توان عدم سرمایه‌گذاری در بخش کشاورزی و دامداری و در نتیجه در صنایع تبدیلی بخش کشاورزی دانست.

\* حدود ۳۳ درصد از پاسخگویان معتقدند که فیروزآباد، موجب بهبود وضعیت درآمد و ثروت در روستاهای پیرامون شده و ۱۸ درصد از افراد نیز اعتقاد دارند که در این زمینه مؤثر نبوده است. مثبت بودن نقش شهر فیروزآباد در بهبود وضعیت درآمد و ثروت در روستاهای مورد مطالعه را می‌توان تسهیل دسترسی ساکنین روستاهای مورد مطالعه به بازار فروش محصولات کشاورزی و دامی در شهر فیروزآباد دانست.

\* بررسی نظرات پاسخگویان درباره میزان رضایت از زندگی قبل و بعد از تبدیل فیروزآباد به شهر نشان می‌دهد که میزان رضایت مردم، بعد از تبدیل فیروزآباد به شهر بیشتر شده است، به‌طوری‌که

توسعه روستایی، دوره سوم، شماره ۱، بهار و تابستان ۱۳۹۰

رضایت از زندگی حدود ۴۵ درصد از پاسخگویان، زیاد، ۲۸ درصد در حد متوسط و ۲۶ درصد نیز کم بوده است. وجود امکانات و زیرساخت‌ها، نهادهای دولتی (که نیاز آنها را به مرکز شهرستان کمتر کرده است) و دسترسی آسان به خدمات مورد نیاز روستاییان، از جمله عواملی هستند که در میزان رضایت ساکنین نواحی روستایی بعد از تبدیل فیروزآباد به شهر تأثیر داشته‌اند.

بر اساس یافته‌های فوق که از آمار توصیفی به دست آمد و نتایج حاصل از آمار استنباطی و تجزیه و تحلیل اطلاعات، به‌طور کلی، نتایج پژوهش حاضر عبارت‌اند از:

\* توسعه شهر کوچک فیروزآباد، موجب بهبود خدمات‌رسانی، درآمد و ثروت، بهزیستی فردی، مشارکت و مسکن در روستاهای پیرامونی شده است. اما در زمینه ایجاد شرایط لازم برای تثبیت جمعیت و کاهش مهاجرت و وضعیت کار در روستاهای پیرامونی مؤثر نبوده است.

\* با توجه به نتایج آزمون ویلکاکسون، تبدیل فیروزآباد به شهر موجب افزایش رضایت از زندگی ساکنین روستاهای پیرامون خود شده است.

\* نتایج به دست آمده از تحلیل رگرسیون برای بررسی رابطه حوزه‌های مختلف کیفیت زندگی و میزان رضایت از زندگی نشان می‌دهد که حوزه‌های مذکور، ۵۰٫۴ درصد از تغییرات رضایت از زندگی در ناحیه مورد مطالعه را تبیین می‌کنند. متغیرهای خدمات‌رسانی، تثبیت جمعیت و کاهش مهاجرت، مشارکت و بهزیستی فردی، تأثیر مستقیم و معنادار و شاخص مسکن تأثیر معکوس بر رضایت از زندگی دارند و سایر متغیرها نیز فاقد تأثیر معنادار بر رضایت از زندگی ساکنین روستاهای مورد مطالعه هستند. علاوه‌براین، بهزیستی فردی، قوی‌ترین و کار، ضعیف‌ترین متغیری است که رضایت از زندگی در ناحیه مورد مطالعه را پیش‌بینی می‌کند.

## منابع و مأخذ

اکبری‌ارونیز، سعید (۱۳۸۵). نقش و عملکرد شهرهای کوچک در توسعه روستایی، مطالعه موردی: دهستان رونیز شهرستان استهبان (پایان‌نامه کارشناسی‌ارشد جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی). دانشگاه تهران. تقوایی، مسعود و مریم رضایی (۱۳۸۷). نقش شهرهای کوچک در توسعه منطقه‌ای. فصلنامه بنا، ۳۷، ۴۸-۳۸.

جمعه‌پور، محمود (۱۳۸۸). طرح پژوهشی بررسی و سنجش سطح توسعه و عدم تعادل‌های منطقه‌ای در استان تهران. دانشگاه علامه طباطبایی.

بررسی نقش شهرهای کوچک در توسعه مناطق روستایی پیرامون ...

رضایی، مریم (۱۳۸۷). نقش شهرهای کوچک در توسعه منطقه‌ای، مورد مطالعه: استان ایلام (پایان‌نامه دوره کارشناسی ارشد). دانشگاه اصفهان.

رضوانی، محمدرضا، منصوریان، حسین و فاطمه احمدی (۱۳۸۹). ارتقای روستاها به شهر و نقش آن در بهبود کیفیت زندگی ساکنان محلی. پژوهش‌های روستایی. سال اول. شماره ۱. ۶۵ - ۳۳.

رضوانی، محمدرضا، شکیبا، علیرضا و حسین منصوریان (۱۳۸۷). ارزیابی کیفیت زندگی در نواحی روستایی. رفاه اجتماعی. سال هشتم. شماره ۳۰ و ۳۱. ۵۹ - ۳۵.

رکن‌الدین افتخاری، عبدالرضا و حسن ایزدی‌خرامه (۱۳۸۰). تحلیلی بر رویکردهای مکان‌یابی و توزیع خدمات در مناطق روستایی: بررسی تطبیقی رویکرد کارکردهای شهری در توسعه روستایی و مدل تخصیص مکانی. تحقیقات جغرافیایی. سال شانزدهم. شماره ۳.

زبردست، اسفندیار (۱۳۸۳). اندازه شهر. انتشارات مرکز مطالعات و تحقیقات شهرسازی و معماری ایران. چاپ اول.

سرشماری عمومی نفوس و مسکن (۱۳۸۵). سالنامه آماری استان لرستان.

شکویی، حسین (۱۳۷۷). دیدگاه‌های نو در جغرافیای شهری. چاپ سوم. تهران: سمت.

صراف، مظفر (۱۳۷۷). مبانی برنامه‌ریزی توسعه منطقه‌ای. تهران: انتشارات سازمان برنامه و بودجه. طالب، مهدی؛ بخشی زاده، حسن (۱۳۸۹). سازمان‌های متولی توسعه روستایی در ایران. انتشارات پیوند مهر.

عنبری، موسی (۱۳۸۹). بررسی تحولات کیفیت زندگی در ایران (۱۳۶۵ تا ۱۳۸۵). توسعه روستایی. دوره اول. شماره ۲. ۱۸۱ - ۱۴۹.

فنی، زهره (۱۳۸۸). شهرهای کوچک رویکرد دیگر در توسعه منطقه‌ای. آذرخش.

قادرمزی، حامد (۱۳۸۳). نقش روستا شهرها در توسعه روستاهای پیرامونی، مطالعه موردی: روستا شهر دهگلان (پایان‌نامه کارشناسی ارشد جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی). دانشگاه تربیت مدرس.

قالیباف، محمداقبر، رمضان‌زاده لسبویی، مهدی و یاری شگفتی، اسلام (۱۳۸۸). سنجش میزان رضایت ساکنان روستایی از کیفیت زندگی و آثار آن بر امنیت مناطق مرزی: مطالعه موردی بخش نوسود استان کرمانشاه. روستا و توسعه. سال ۱۲. شماره ۳. ۱۶۳ - ۱۸۴.

محمدی ده‌چشمه، رعنا (۱۳۸۷). تحلیل بخشی عملکرد شهرهای کوچک در توسعه روستاهای پیرامون شهرستان فارس و روستاهای پیرامون در دهستان میزدج سفلی (پایان‌نامه دوره کارشناسی ارشد). دانشگاه تهران. دانشکده جغرافیا.

توسعه روستایی، دوره سوم، شماره ۱، بهار و تابستان ۱۳۹۰

مرندی، ایرج (۱۳۷۸). نقش روستا شهرها در توسعه روستاهای پیرامون مورد مطالعه: روستاشهر ایلمچی شهرستان اسکو (پایان نامه دوره کارشناسی ارشد). دانشگاه تهران.

Bajarcharya, B. N. (1994). Small Towns and Rural Development: A study of urban-rural relations in the Hill region of Nepal (A case study foreign of Nepal (A case study of Banepa) dissertation for PhD. Nepal.

Douglass, Mike (1998). A Regional Network Strategy for Reciprocate Rural-Urban Linkages: An Agenda for Policy Research with Reference to Indonesia. *third World Planning Review*. P.p. 1-7.

Gaite, G. L. (1992). Improving Rural-Urban Linkages through Small Town market-Based Development. *third world planning Review*. P.p. 1-7.

Mathur, O. P. (1982). The Role of Small Cities in National Development Re-examined In O. P. Mathur (ed.) *Small Cities and National Development*. (Nagoya, Japan: UNCRD).

Mathur, Omprakash (1982). *Small Cities and Natinal Development*. United Nations Center for Regional Development.

MILES, I. (1985). *Social indicators for human development*. London.

Shucksmith, M., Thompson, K. J. & Roberts, D. (2005). *The CAP and policy Regions in: The Territorial Impact of the Common Agricultural Policy CABI*. Publishing, Wallingford.

Sny, Tung-Kai & Stimson, Robert (2006). *What is the Strength of the Link Between Objective and Subjective Indicators of Urban Quality of Life?*. Applied Research in Quality of Life. P.p. 1-5.

Tacoli, Cecilia (1998). The link Rural-urban interactions: a guide to the literature. *Environment and Urbanization*. P.p. 1-10.

Taylor, D. R. F. (1981). Role and Function of lower order Centres in Rural Development. In F. C. Lo (ed.) *Rural - Urban Relations and Regional Development*. Regional Development Series (5) (Nagoya, Japan: UNCRD).